

پیامدهای اجتماعی مهاجرت برای مردم افغانستان

Social Consequences of Migration for the People of Afghanistan

نامزد پوهنیار محمد محمدی^۱، پوهنیار مرتضی رسولی^۲

DOI: 10.64104/v10.Issue17.n38.2025

چکیده

مهاجرت به عنوان یک پدیده اجتماعی دارای تأثیر و نفوذ قابل ملاحظه‌ای در ابعاد و زوایای مختلف اجتماعی است؛ از آنجایی که افغانستان نظر به شرایط پیچیده‌ای که در طی دهه‌های اخیر با آن مواجه بوده این پدیده با تاروپود اکثر خانواده‌های افغان گره خورده است. مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که مهاجرت‌ها چگونه بر نقش‌های اجتماعی، ساختار خانواده‌ها و هویت اجتماعی افغان‌ها تأثیر می‌گذارد. اهمیت این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که مهاجرت‌های گسترده، ناشی از بحران‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اقلیمی، علاوه بر پیامدهای فردی، جامعه افغانستان را با چالش‌های عمیق اجتماعی روبه‌رو کرده است. هدف این پژوهش تحلیل پیامدهای اجتماعی مهاجرت‌ها برای مردم افغانستان و ارائه تصویری جامع از اثرات مثبت و منفی این پدیده است. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. داده‌های گردآوری شده از گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی، مطالعات موردی و مقالات علمی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مهاجرت‌ها منجر به گسست شبکه‌های اجتماعی، تغییر در نقش خانواده‌ها، و ایجاد بحران هویتی در میان مهاجرین افغان شده است. برای کاهش اثرات منفی مهاجرت و تقویت پیامدهای مثبت آن، سیاست‌گذاران می‌بایست رویکردهای جامع‌تری را اتخاذ کنند. این رویکردها شامل سرمایه‌گذاری در توسعه اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار، بهبود خدمات آموزشی و بهداشتی، و تقویت انسجام اجتماعی در جوامع مبدأ است. علاوه بر این، ارتقای آگاهی عمومی درباره مخاطرات مهاجرت‌های غیرقانونی و حمایت از مهاجران افغان در جوامع میزبان، نیز می‌تواند به کاهش اثرات منفی این پدیده کمک کند.

واژگان کلیدی: مهاجرت، پیامدهای اجتماعی، فرصت‌ها و تهدیدها

^۱ استاد جغرافیا، پوهنځی علوم اجتماعي پوهنتون هرات، fardin.m400@gmail.com

^۲ آمر دیپارتمنت جغرافیا، پوهنځی علوم اجتماعي پوهنتون هرات، mortaza.rassoli@gmail.com

1. مقدمه

مهاجرت به‌عنوان یک پدیده پیچیده و چندوجهی، تأثیرات عمیقی بر جوامع مبدأ و مقصد دارد. این فرآیند که می‌تواند داخلی یا بین‌المللی باشد، از دیرباز یکی از موضوعات مهم در حوزه‌های علوم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بوده است (Castles & Miller, 2009). در دنیای معاصر، جهانی‌سازی، تغییرات اقلیمی و بحران‌های سیاسی باعث افزایش جریان‌های مهاجرت شده‌اند. بررسی پیامدهای این جریان‌ها، از جنبه‌هایی همچون هویت اجتماعی، روابط میان‌نسلی، تغییرات فرهنگی و نقش‌های اجتماعی، به درک بهتر چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی جوامع کمک می‌کند (et al., 2011 Dustmann). از آنجایی که افغانستان، کشوری محصور در خشکی و حدود 63٪ از مساحت آن را مناطق کوهستانی تشکیل می‌دهد (Aich et al., 2017: 2)، دارای اقلیمی متنوع است (Spink, 2020: 11) این تنوع اقلیمی در کنار موقعیت جغرافیایی و شرایط سیاسی، این کشور را به یکی از آسیب‌پذیرترین نقاط جهان در برابر حوادث طبیعی تبدیل کرده است. افغانستان در رتبه هشتم میان 170 کشور از نظر آسیب‌پذیری در 30 سال آینده قرار دارد. سالانه تعداد زیادی از شهروندان این کشور بر اثر حوادث طبیعی و جنگ و ناامنی جان خود را از دست می‌دهند (Sturridge, 2022: 13). علاوه بر چالش‌های زیست‌محیطی، افغانستان بیش از چهار دهه از پیامدهای جنگ، فقر مزمن و ناامنی غذایی رنج برده است. این عوامل باعث شده‌اند که مهاجرت به یکی از اساسی‌ترین راهکارهای مردم برای مقابله با این شرایط تبدیل شود. دلایل مهاجرت از افغانستان معمولاً به عوامل مختلفی بستگی دارد؛ چنانچه شامل جستجوی فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی، فرار از جنگ و ناامنی و مقابله با حوادث طبیعی می‌شوند. کشاورزی، که بزرگ‌ترین بخش اقتصادی افغانستان³ را تشکیل می‌دهد و حدود 85٪ از جمعیت به آن وابسته هستند، به دلیل تغییرات اقلیمی و ناامنی به شدت آسیب دیده است (Holloway, 2022: 14). کاهش ظرفیت معیشتی در این بخش، فشارهای اقتصادی بر مردم را تشدید کرده و به افزایش نرخ مهاجرت دامن زده است. با افزایش تعداد مهاجران در جهان، کشورهای مبدأ و مقصد مهاجرت؛ به میزان بیشتری از این پدیده متأثر می‌شوند. شناخت انگیزه‌ها و علل مهاجرت می‌تواند کشورهای مبدأ و مقصد را در جهت سیاست‌گذاری‌های مؤثر برای تغییر این روند یاری رساند، چنانچه این عوامل از یک جغرافیا نسبت به جغرافیای دیگر متفاوت است (میرزا مصطفی و قاسمی، 1392: 72). پیامدهای اجتماعی مهاجرت نیز اغلب برای مهاجران در جوامع میزبان مثبت نبوده است. بسیاری از مهاجران نه تنها به شغل‌های بهتر یا درآمد بالاتر دست نیافته‌اند، بلکه با مشکلاتی هم‌چون بی‌کاری، جدایی خانوادگی، سفرهای خطرناک و ادامه سختی‌ها مواجه شده‌اند (Holloway, 2022: 13). مهاجرت، تغییرات قابل ملاحظه‌ای را در بافت و توزیع جمعیت به وجود می‌آورد. این تغییرات تحت تأثیر عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و محیطی است. در بسیاری از موارد، پیامدهای اجتماعی مهاجرت، هویت اجتماعی، نقش‌های خانوادگی و روابط اجتماعی را دگرگون می‌سازد (Vertovec, 2007).

در مورد مهاجرت افغان‌ها تحقیقات زیادی انجام شده است، حسینی (1395) در تحقیقی تحت عنوان "مهاجرت افغان‌ها به ایران؛ چالش‌ها و فرصت‌ها" به عدم برخورداری از فرصت‌های اجتماعی افغان‌ها اشاره می‌کند. صدیقی و همکاران (1399) در تحقیقی تحت عنوان "بررسی مهاجرت و تأثیر آن (مطالعه موردی: افغانستان)" استدلال نمودند که اکثر مردم به دلایل اقتصادی مهاجرت می‌کنند. هاشمی و اوزی (1399) در تحقیقی تحت عنوان "بررسی عوامل سیاسی مهاجرت افغانستان" دریافتند که افغانستان از بزرگترین کشورهای دارای مهاجرت در جهان است. شورای متخصصان ولایت هرات در تحقیقی تحت عنوان "عوامل و پیامدهای مهاجرت در افغانستان با تمرکز بر موج اخیر و مهاجرت نخبگان از کشور" به این نتیجه

طبق آمار جدید، کشاورزی فقط 34.74 فیصد تولید ناخالص داخلی، را تشکیل می‌دهد:

³ https://www.theglobaleconomy.com/afghanistan/share_of_agriculture/?utm_source=chatgpt.com

رسیدند که مهاجرت دارای پیامدهای منفی برای مردم افغانستان است. سازمان‌های بین‌المللی چون IOM, UNHCR, WFP, IRC, DRC در این زمینه تحقیقات زیادی انجام داده‌اند، لیکن پیرامون پیامدهای اجتماعی مهاجرت برای افغان‌ها به طور اخص تا به حال هیچ تحقیقی صورت نگرفته است. هدف این پژوهش، بررسی پیامدهای اجتماعی مهاجرت و تحلیل ابعاد مختلف این پدیده بر مردم افغانستان است.

2. مروری بر روند مهاجرت‌های اخیر در افغانستان

افغانستان در طول چهار دهه گذشته تحت تأثیر عوامل مختلف، قرار داشته که مهاجرت‌ها را در این کشور تشدید کرده است. این کشور در دوران معاصر خود، با مشکلاتی چون درگیری‌های قومی، ضعف حاکمیت، اقتصاد ضعیف، سیاست‌های ناموزون، بحران‌های ایدئولوژیک، نرخ بالای جرم و جنایت، زیرساخت‌های ناکافی، و تخریب محیط زیست مواجه بوده است (Lopez, 2015). به همین دلیل، امواج مهاجرت در افغانستان به صورت زیر دسته‌بندی می‌شود:

امواج مهاجرت	دلایل و شرایط
حکومت کمونیستی و مداخله شوروی	حکومت کمونیستی در افغانستان (۱۳۵۷-۱۳۷۱) و مداخله شوروی در سال ۱۳۵۸ موجب مهاجرت گسترده افغان‌ها از این کشور شد. بیشتر مهاجرت‌ها به کشورهای چون پاکستان، ایران، و کشورهای حوزه خلیج فارس رخ داد. همچنین، تعدادی از افغان‌ها در اروپا، آمریکا، و استرالیا درخواست پناهندگی سیاسی داده‌اند (Jazayery, L, 2002).
خروج اتحاد جماهیر شوروی و روی کار آمدن حکومت مجاهدین	پس از خروج قشون سرخ شوروی در سال ۱۳۶۷- و تسلط مجاهدین بر اوضاع سیاسی کشور در سال ۱۳۷۱، مهاجرت‌های داخلی و خارجی زیادی گزارش شد. این جابه‌جایی‌ها ناشی از جنگ‌های داخلی بین مجاهدین و دولت کمونیستی و سپس درگیری‌های میان گروه‌های مجاهدین رقیب بود (Dunkel, Tanner, 2012).
روی کار آمدن امارت اسلامی طالبان	با ظهور امارت اسلامی طالبان در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰، حدود پنج میلیون افغان در خارج از کشور زندگی می‌کردند. در همین دوره، محدودیت‌های اعمال‌شده توسط پاکستان و ایران در مرزهای‌شان موجب افزایش آوارگی داخلی در افغانستان شد (Jazayery, L, 2002).
تجاوز نظامی ایالات متحده	مداخله نظامی ایالات متحده در سال ۱۳۸۰ منجر به پناهندگی بیش از ۳۰۰ هزار افغان شد. هفت مرحله مختلف جابه‌جایی جمعیت در افغانستان شناسایی شده است که نشان‌دهنده روند طولانی‌مدت بحران مهاجرت در این کشور است (Schmeidl., 2019)

افغانستان یکی از بزرگ‌ترین و پایدارترین بحران‌های پناهجویی را در تاریخ جهان به خود اختصاص داده است. گزارش‌ها نشان می‌دهد: ↳ ۲٫۵ میلیون پناهنده افغان در ایران (شامل مستند و غیرمستند) ↳ ۲٫۹ میلیون پناهنده در پاکستان (شامل مستند و غیرمستند) ↳ حدود ۱۰۰ هزار افغان در ترکیه، که اغلب درخواست‌هایشان برای حمایت بین‌المللی معلق مانده است. ↳ همچنین، حدود ۱٫۱ میلیون بی‌جاشده داخلی در هر زمان مشخص در افغانستان حضور دارند (گروه پژوهش شورای متخصصان هرات، ۱۴۰۳: ۶۶).	وضعیت مهاجران افغان
---	----------------------------

جدول شماره (۱)

۳. نظریه‌های مربوط به مهاجرت

در سده گذشته، نظریه‌پردازی در مورد دلایل مهاجرت از سوی نظریه‌پردازان رشته‌های مختلف به ویژه در حوزه علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی مطرح شده است (ایراندوست و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۸). در این‌جا به بررسی برخی از نظریه‌ها بخصوص نظریه‌های تغییر اجتماعی خواهیم پرداخت:

✧ **نظریه راونشتاین^۴:** جرج راونشتاین اولین کسی بود که سعی نمود سازوکار مهاجرت را بر اساس اصول کلی موجود در رویکرد کارکردگرایی بیان کند. او با بیان قوانین جذب و دفع معتقد بود عوامل نامساعد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فیزیکی باعث دوری مردم از محل سکونت‌شان می‌شود و بالعکس آن‌ها را به نقطه‌ای که از این نظر شرایط مناسبی دارد جذب می‌کند (حیدری، ۱۳۹۸: ۱۵۱). راونشتاین استدلال کرد که مهاجرت اتفاقی نیست، بلکه قانونی خاص (قانون جاذبه و دافعه) بر آن حاکم است (میرزامصطفی و قاسمی، ۱۳۹۲: ۸۰).

✧ **نظریه آرتور لوئیس:** که جنبه اقتصادی دارد و مهاجرت از نواحی کم‌درآمد به نواحی با درآمد بیشتر را مورد مذاقه قرار داده است. در چنین وضعیتی بخش اقتصاد سنتی دارای مازاد نیروی کار است که بازدهی اندکی دارد و بخش اقتصاد نوین نیازمند نیروی کار است تا از بازده اقتصادی آن بهره‌مند شود؛ چنین شرایطی باعث مهاجرت از بخش سنتی به بخش نوین اقتصادی می‌گردد (حیدری، ۱۳۹۸: ۱۵۲).

⁴ George Rovenstein

✧ **نظریه مایکل تودارو:** مهاجرت برای کشورهای در حال توسعه با بیکاری رو به رشد شهرها همراه است؛ چنانچه این‌گونه مهاجرت‌ها که شهر با بیکاری مواجه می‌شود هنوز هم ادامه دارد و منجر به حاشیه‌نشینی و ایجاد شغل‌های کاذب می‌شود (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۶۷).

✧ **نظریه سیستم جهانی:** تغییرات در بازارهای جهانی، یکی از عوامل کلیدی مهاجرت‌های بین‌المللی است (ایراندوست و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۸). بنابر این نظریه، مهاجرت در نتیجه فرایند توسعه سرمایه‌داری اتفاق می‌افتد (جانتن و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۴).

3.1. نظریه‌های تغییر اجتماعی

دانشمندان و نظریه‌پردازانی چون امیل دورکیم، آنتونی گیدنز، جورج سیمل و تالکوت پاستونز از جمله نظریه پردازان این مکتب هستند و تغییر اجتماعی شامل نظریه‌های تکامل، دوره، تک‌علتی، چندعلتی، تعادل و تعارض می‌شود (حسینی و هاشمی، ۱۳۹۵: ۷۵).

۱- **نظریه تکامل:** این نظریه بر این اصل استوار است که جوامع در طول زمان تحت تأثیر قوانین تکاملی از حالت‌های ساده و ابتدایی به حالت‌های پیچیده‌تر و پیشرفته‌تر تکامل می‌کنند. این دیدگاه به فرآیندهایی نظیر تکامل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی توجه دارد و معتقد است که تغییر اجتماعی بخشی از یک روند طبیعی و تدریجی در جامعه است.

۲- **نظریه دوره‌ای:** این نظریه بیان می‌کند که جوامع در طول زمان دوره‌های مختلفی از رشد، استقرار، کاهش و تغییرات ناگهانی را تجربه می‌کنند. این تغییرات می‌تواند به صورت چرخه‌ای یا دوره‌ای رخ دهد و شامل رشد و توسعه، سقوط و تغییرات ناگهانی است که هر دوره ممکن است مقدمه‌ای برای دوره‌ای جدید باشد.

۳- **نظریه تک‌علتی:** این نظریه معتقد است که تغییرات اجتماعی نتیجه‌ی یک عامل مشخص و منفرد است. برای مثال، ممکن است این تغییرات را به عواملی نظیر تکنالوژی، اقتصاد، سیاست یا فرهنگ نسبت داد. این دیدگاه بر تأثیرگذاری یک عامل خاص به عنوان نیروی اصلی در ایجاد تغییر اجتماعی تأکید دارد.

۴- **نظریه چندعلتی:** این نظریه تأکید دارد که تغییرات اجتماعی نتیجه تعامل بین چندین عامل مختلف است. به‌عنوان نمونه، تغییرات ممکن است تحت تأثیر تعاملات فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی قرار گیرد. این دیدگاه بر پیچیدگی و چندوجهی بودن فرآیندهای تغییر اجتماعی تأکید دارد.

۵- **نظریه تعادل و تعارض:** این نظریه بیان می‌کند که تغییرات اجتماعی نتیجه تعامل بین نیروهای تعادل و تعارض در جامعه است. تعادل به معنای حفظ و استمرار وضعیت موجود است، در حالی که تعارض نشان‌دهنده نیاز به تغییر و تحول است. تغییرات اجتماعی ممکن است گاهی مثبت و سازنده و در مواردی منفی و مخرب باشد. همچنین، این تغییرات می‌توانند سریع یا کند اتفاق بیفتند (گروه پژوهش شورای متخصصان هرات، ۱۴۰۳: ۸۳-۸۴).

3.2. طبقه‌بندی مهاجرت

سالانه میلیون‌ها نفر به دلایل گوناگون در عرصه‌های مختلف جغرافیایی جابجا می‌شوند و از روی اجبار یا اختیار محل زندگی خود را تغییر می‌دهند (Seabrook, 2007: 44). با توجه به این‌که مهاجرت با مسائل و عوامل مختلفی پیوند دارد، در نتیجه علل و نتایج مهاجرت نیز گوناگون است. بر این اساس مهاجرت را می‌توان بر اساس معیارهای مختلف طبقه‌بندی کرد:

- ۱- از نظر زمان: مهاجرت‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت.
- ۲- از نظر اراده: مهاجرت‌های ارادی (داوطلبانه) و اجباری (ناشی از جنگ یا بحران‌های طبیعی).
- ۳- از نظر قلمرو: مهاجرت‌های داخلی و بین‌المللی.
- ۴- از نظر مسافت: مهاجرت‌های نزدیک و دور (حیدری، ۱۳۹۸: ۱۵۴-۱۵۵).

۴. دلایل مهاجرت از افغانستان

چند دهه گذشته در تاریخ افغانستان، دگرگونی ژرف ساختار اجتماعی و نیروهای تولید، زمینه ساز اصلی مهاجرت بوده است. در فاصله نسبتاً کوتاهی روند چند هزار ساله زندگی اجتماعی دچار دگرگونی و تحولات چشم‌گیری شد؛ اگرچه این تحولات در سراسر جهان به صورت مشترک نمودار شد، اما آهنگ آن در افغانستان شدیدتر به نظر می‌رسد. چنانچه گفته شد؛ در مورد مهاجرت، دیدگاه‌ها و نظریات مختلفی وجود دارد که هر یک از آن‌ها از زوایای مختلف به این پدیده نگریسته‌اند. بر مبنای ادبیات تئوریک یک عامل نمی‌تواند به عنوان نیروی منفرد و مؤثر بر مهاجرت مورد مطالعه قرار گیرد (Mendola, 2007). بلکه مهاجرت در پاسخ به دامنه گسترده‌ای از عوامل متفاوت اثر بخش بر مردم رخ می‌دهد و لزوماً تمام مردم به شیوه مشابهی نسبت به آن‌ها واکنش نشان نمی‌دهند (میرزامصطفی، قاسمی، ۱۳۹۲: ۷۸). در واقع کارکردهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، جمعیتی، ارتباطی، اداری و غیره در مهاجرت و شکل‌گیری آن مؤثراند (ابراهیم زاده، ۱۳۸۰). چنانچه ضعف ساختاری نظام‌های آموزشی و بهداشتی در افغانستان، همراه با مشکلات امنیتی، موجب نارضایتی‌های گسترده اجتماعی و فرهنگی می‌شود. این نارضایتی‌ها، همراه با تغییرات اجتماعی، بسیاری از افراد را به سمت جست‌وجوی زندگی بهتر در خارج از کشور، به‌ویژه در جوامع غربی، سوق می‌دهد. در این راستا، مهاجرت افغان‌ها اغلب به‌عنوان تلاشی برای بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی فرد و خانواده تلقی می‌شود.

بوگ در سال ۱۹۹۷ عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری به مهاجرت را در چهار گروه کلی طبقه‌بندی نموده است.

❖ عوامل مؤثر مربوط به مبدأ مهاجرت؛

❖ عوامل مؤثر مربوط به مقصد مهاجرت؛

❖ عوامل و ویژگی‌های فردی مهاجران؛

❖ موانع عمده مهاجرت با عوامل مداخله‌گر.

به عقیده وی شناخت عوامل مثبت و منفی مبدأ و مقصد در شکل‌گیری فرایند مهاجرت‌ها نقش مهمی دارد.

مهاجرت از افغانستان نیز بنابر دلایل مختلفی انجام می‌شود:

❖ **جنگ و ناامنی:** جنگ‌های دوام‌دار داخلی و خارجی همراه با خشونت‌های چند دهه‌ای مردم را به مهاجرت

وادار می‌کند (UNHCR, 2020).

❖ **تغییرات اقلیمی:** خشکسالی و حوادث طبیعی روند زندگی مردم را دچار مشکل می‌کنند، بخصوص در

مناطق روستایی که از این نظر آسیب‌پذیری بیشتر دارند و فکر مهاجرت در آن‌ها پدیدار می‌شود (Spink, 2020).

تغییرات اقلیمی به‌عنوان یکی از چالش‌های بزرگ جهانی، تأثیرات عمیقی بر جوامع انسانی، به‌ویژه در کشورهای

در حال توسعه مانند افغانستان، داشته است. این تأثیرات شامل افزایش مهاجرت‌های داخلی و بین‌المللی ناشی از

بلایای طبیعی مرتبط با اقلیم می‌شود (International Organization for Migration [IOM], 2025). بر اساس

گزارش سازمان بین‌المللی مهاجرت (IOM) در سال ۲۰۲۵، در یک سال گذشته، تغییرات اقلیمی زندگی ۹ میلیون افغان را تحت تأثیر قرار داده و ۵۰۰ هزار نفر را به دلیل سیلاب‌ها و خشکسالی‌ها مجبور به مهاجرت داخلی کرده است. (IOM, 2025; Park, 2025) می‌هیونگ پارک، رئیس سازمان بین‌المللی مهاجرت، اعلام کرده است که در یک سال گذشته تغییرات اقلیمی زندگی ۹ میلیون افغان را تحت تأثیر قرار داده و موجب افزایش مهاجرت داخلی شده است. وی افزود سیلاب‌ها و خشکسالی‌ها ۵۰۰ هزار نفر را آواره کرده و میلیون‌ها نفر همچنان در معرض خطر پیامدهای اقلیمی قرار دارند. (Park, 2025) علاوه بر این، گزارش IOM نشان می‌دهد که بین سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۴، نزدیک به ۳ میلیون نفر در افغانستان بی‌جا شده‌اند که از این تعداد، ۹۸۸ هزار نفر تنها در سال ۲۰۲۴ آواره شده‌اند (United Nations, 2024). افغانستان یکی از فقیرترین کشورهای جهان است که برای بیش از چهار دهه درگیر جنگ بوده و در معرض تهدیدات ناشی از تغییرات اقلیمی قرار دارد. این کشور از نظر آسیب‌پذیری در برابر تغییرات اقلیمی در جایگاه ششم در میان ده کشور به‌شدت آسیب‌پذیر قرار دارد (United Nations, 2024).

✧ **فقر و بیکاری:** شرایط اقتصادی نامساعد، که عوامل گوناگونی دارد، بسیاری از افغان‌ها را به مهاجرت‌های اقتصادی سوق می‌دهد (World Bank, 2022).

✧ **توسعه زیرساخت‌ها:** برخی مهاجرت‌ها به دلیل عدم وجود زیرساخت‌های مناسب در مکان زندگی اولیه مانند، مکتب، پوهنتون، شفاخانه و... اتفاق می‌افتد (Spink, 2020).

✧ **عوامل اجتماعی و فرهنگی:** مشکلات اجتماعی و محدودیت‌های فرهنگی، از دیگر عوامل مهاجرت هستند (IOM, 2021) & (Spink, 2020: 25).

5. پیامدهای اجتماعی مهاجرت

پیامدهای اجتماعی مهاجرت می‌تواند بر هر دو جامعه (مبدأ و مقصد) تأثیر گذار باشد؛ چنانچه مهاجرت می‌تواند سهم مهمی در رشد جمعیت ملی داشته باشد و اگر ویژگی‌های مهاجران با ویژگی‌های جمعیت متفاوت باشد، می‌تواند ساخت جمعیت را تحت تأثیر قرار دهد. جای تعجب نیست که مهاجرت بین‌المللی به مؤلفه‌های مهمی در سیاست جمعیتی تبدیل شده است. در 200 سال گذشته مهاجرت‌های بین‌المللی نقش مهمی در رشد جمعیت کشورهای توسعه یافته همانند ایالات متحده آمریکا، کانادا و استرالیا ایفا کرده است (حیدری، 1398: 159). در مواردی که مهاجرت به شکل خانواده‌ای انجام شود تأثیر زیادی بر ترکیب جنسی و سنی کشور مقصد به‌جا نمی‌گذارد، مگر آن‌که ساختار سنی و جنسی کشور مبدأ با کشور مقصد تفاوت‌هایی داشته باشد. در برخی مهاجرت‌ها تعداد مهاجران مرد بیشتر است. در این صورت در کشور مبدأ نسبت جنسی کم می‌شود و در کشور مقصد نسبت جنسی افزایش می‌یابد (United Nations, 2015b: 63). برخی از کشورهای توسعه یافته که رشد جمعیتی آن‌ها کم و دارای ترکیب سنی کهن سال هستند و برای تأمین نیروی انسانی فعال خود، پذیرش مهاجران متخصص را مد نظر قرار داده‌اند. مهاجرت‌های بین‌المللی تغییر در ترکیب زبانی، نژادی و مذهبی مناطق مهاجر پذیر را به وجود می‌آورند. اختلاط قومی و فرهنگی یکی از ویژگی‌های عمده کشورهای مهاجر پذیر است. یکی از پیامدهای عمده مهاجرتی آشنایی مردم با فرهنگ و تمدن‌های مختلف است. پذیرش فرهنگ‌های گوناگون به وسیله مهاجران و ساکنان بومی در ابتدا با مقاومت و عکس‌العمل‌های منفی همراه است و اغلب به تدریج به تعامل فرهنگی منجر خواهد شد. برخی مواقع نیز پیامدهای اجتماعی و فرهنگی مهاجرت‌ها مطلوب نیست و ادغام مهاجران با جمعیت کشور مهاجر پذیر به سختی انجام می‌شود، برخی از دولت‌ها نمی‌توانند یا نمی‌خواهند سیاست‌های تبعیض‌آمیز بین مهاجران و مردم بومی را کاملاً کنار

بگذارند (حیدری، ۱۳۹۸: ۱۶۲). مهاجران باید با محیط و شیوه‌های زندگی جدید در جامعه میزبان سازگاری یابند. احساس جدایی یا جابجایی از جامعه مبدأ به نوبه خود اضطراب برانگیز است و روابط اجتماعی در جامعه مقصد نیز تا حد زیادی بر وضعیت مهاجران تأثیر می‌گذارد. در واقع مهاجران نه تنها تحت تأثیر روابط اجتماعی جامعه مقصد بلکه تحت تأثیر روابط اجتماعی جامعه پیشین خود نیز قرار دارند (بیگدلی، ۱۳۹۰: ۴). هم‌زمان، با بسا موارد، ارزش‌ها و ظرفیت‌های جدید حاکم در کشور مقصد با ارزش‌های سرزمین مادری متفاوت و احتمالاً متضاد است و با آنچه مهاجرت‌کننده در سرزمین مادری از آن برخوردار بوده، مطابقت نیابد و از این رو، "فرصت‌های" ناشی از این ظرفیت‌ها، به "چالش" تبدیل شده و "ظرفیت" را به "محدودیت" تبدیل می‌کند.

در افغانستان مهاجرت پیشینه طولانی دارد. مهاجرت در افغانستان در طول چهار دهه گذشته با مفاهیم آوارگی، پناهنجویی و فرار از کشور هم کاربرد بوده است. با توجه به عوامل یاد شده، به نظر می‌رسد مهاجرت در افغانستان، در امواج چندگانه و متفاوت، اما در عین حال متداخل و هم‌پوشان، تصنیف پذیر است (گروه پژوهش شورای متخصصان هرات، ۱۴۰۳). عوامل اجتماعی و جمعیتی نقش مهمی در شکل‌گیری الگوهای مهاجرت دارند. تغییرات در ساختار جمعیتی، تحصیل سطوح بالاتر، ازدواج و تشکیل خانواده، نقض حقوق بشر و نابرابری‌های اجتماعی از جمله عواملی هستند که تصمیم‌گیری مهاجرت را تحت تأثیر قرار می‌دهند. برخی افراد برای نزدیکی به اعضای خانواده مهاجرت می‌کنند. امروزه، برخلاف گذشته که مهاجرت بیشتر به دلایل کاری یا پناهندگی صورت می‌گرفت، کشورها با تنوع گسترده‌ای از مهاجران مواجه هستند. این روند، طی دهه‌های اخیر، باعث تغییرات قابل توجه در ترکیب نژادی و قومی جوامع شده است (Bove, V., & Elia, L, 2017).

5.1. پیامدهای منفی

5.1.1. تأثیر بر ساختار خانواده

مهاجرت مردم افغانستان غالباً منجر به جدایی طولانی اعضای خانواده می‌شود. در بسیاری از موارد، مردان به‌عنوان نان‌آور خانواده به کشورهای همسایه مانند ایران، پاکستان و اخیراً ترکیه، دبی، عراق و... مهاجرت می‌کنند. جدایی‌های طولانی مدت باعث کاهش ارتباط عاطفی میان اعضای خانواده می‌شود. در برخی موارد، خانواده‌هایی که مردان مهاجر را از دست می‌دهند، به شدت به کمک‌های سازمان‌های بشردوستانه وابسته می‌شوند و در این حالت فقر تشدید می‌یابد. همچنین، کودکان در نبود پدر یا مادر، با مشکلات عاطفی روحی و روانی مانند اضطراب، افسردگی مواجه می‌شوند که در نهایت به ترک تحصیل منجر می‌شود. از این رو در جوامع مبدأ، خروج نیروی انسانی می‌تواند به تغییر در ساختار جمعیتی، گسست خانواده‌ها و بروز اثرات اجتماعی و روانی منجر شود. از سوی دیگر، ورود مهاجران به کشورهای مقصد، علاوه بر افزایش تنوع فرهنگی، می‌تواند به بروز تنش‌ها و تغییرات در ساختارهای اجتماعی منجر شود (گروه پژوهش شورای متخصصان هرات، ۱۴۰۳: ۸۳-۸۴). بر اساس گزارش IOM (2021)، تعداد زیادی از کودکان افغان در اردوگاه‌های پناهندگان در ایران و پاکستان بدون حضور والدین به سر می‌برند این موضوع باعث افزایش خطر سوءاستفاده یا بهره‌کشی از کودکان را سبب می‌شود (UNHCR, 2022).

5.1.2. تغییر در نقش‌های اجتماعی

مهاجرت، به‌خصوص مهاجرت مردان خانه، باعث تغییر نقش‌های سنتی زنان و اطفال آن‌ها در خانواده می‌شود. زنان مجبورند نقش پدر و مادر را تا آمدن شوهرشان عهده بگیرند، فرزندان به دلیل فقر و فشارهای اقتصادی مجبور به ترک تحصیل و سرانجام روی آوردن به بازار کار می‌شوند. این تغییرات باعث افزایش فشارهای روانی و جسمی بر آنها می‌شود. این تغییر در نقش‌های اجتماعی، در کوتاه‌مدت شاید سازگارانه به نظر برسند، اما در درازمدت، می‌توانند الگوهای سنتی خانواده را دگرگون کنند که این امر گاه باعث مقاومت فرهنگی یا تضاد میان اعضای خانواده می‌شود (World Bank, 2022).

5.1.3. بحران هویت و عدم تعلق به جامعه

یکی از پیامدهای اجتماعی مهاجرت، بحران هویت مهاجران است. مهاجران افغان در کشورهای مقصد مانند ایران، پاکستان یا کشورهای غربی، با جوامعی مواجه می‌شوند که از نظر فرهنگی، زبانی و اجتماعی تفاوت‌های عمیقی با آنان دارند. این تفاوت‌ها به ایجاد حس بیگانگی و عدم تعلق اجتماعی در میان مهاجران منجر می‌شود. کودکان افغان که در ایران یا کشورهای غربی متولد می‌شوند، اغلب با دوگانگی هویتی مواجه‌اند. از یک سو، آن‌ها خود را متعلق به فرهنگ والدین‌شان می‌دانند و از سوی دیگر، تحت فشار اجتماعی برای تطبیق با جامعه جدید قرار دارند. هرگونه جریان مهاجرت، پیوند مهاجران با هویت بومی و فرهنگی‌شان را تضعیف می‌کند و شکل‌گیری هویت جدید نیز برای آنان فرآیندی زمان‌بر است (شرفی، ۱۳۸۵: ۵۸).

این وضعیت می‌تواند تأثیرات منفی بر هویت شخصی و اجتماعی آنان داشته باشد. بحران هویت ناشی از مهاجرت، می‌تواند پیامدهایی مانند انزوای اجتماعی، کاهش اعتماد به نفس، و حتی رفتارهای ضد اجتماعی همراه داشته باشد. در برخی موارد، این چالش‌ها باعث ایجاد تمایلات افراطی یا گرایش به گروه‌های غیرقانونی نیز می‌شود (Save the Children, 2021). به عبارتی، مهاجرت می‌تواند افراد را با بحران هویت مواجه کند، به این معنا که در جامعه جدید، معرفی حقیقت وجودی، ماهیت و شخصیت درونی خود را به دشواری تجربه می‌کنند.

ساموئل هانتینگتون (۱۳۷۸: ۱۵۲) در این باره می‌گوید: «آن‌ها از روستاها به شهرها مهاجرت می‌کنند، از ریشه‌های خود فاصله می‌گیرند، با بیگانگان تعامل می‌کنند و وارد شبکه‌ای از روابط جدید می‌شوند. مهاجران به منابع تازه‌ای برای هویت، اشکال نوین جامعه باثبات و برداشت‌های اخلاقی جدید نیاز دارند تا به زندگی تازه‌شان معنا و هدف ببخشند». به باور برخی اندیشمندان، جدی‌ترین بحران زندگی افراد در خلال فرآیند شکل‌گیری هویت اجتماعی رخ می‌دهد. این بحران به دلیل پیامدهای گسترده‌ای که در جهت‌دهی به هویت ملی افراد دارد، بسیار حیاتی است. اگر حس هویت‌خواهی مهاجران به تعصبات قومی و نژادی کشیده شود، این تعصبات می‌تواند به نفی و تمسخر میراث فرهنگی گروه‌های مختلف قومی منجر شود. در چنین شرایطی، حس هویت‌خواهی به نیرویی ویرانگر تبدیل شده و دشمنی و ستیزه‌جویی میان مهاجران را تشدید می‌کند. مهاجران از گروه‌های قومی مختلف، هر یک به دنبال برجسته کردن برتری قومی خود بر دیگران هستند. این وضعیت، مشکلات جدی در کنترل مهاجران و ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز در شهرهای مهاجرپذیر به وجود می‌آورد (شرفی، ۱۳۸۳: ۵۵).

بررسی‌های جدید نشان می‌دهد که بحران هویت در میان مهاجران افغان، به‌ویژه در نسل‌های دوم و سوم، شدت بیشتری دارد. آن‌ها در فرآیند ادغام در جامعه میزبان با پدیده‌ای به نام «برزخ هویتی» مواجه می‌شوند، به‌طوری‌که نمی‌توانند هویت‌های قومی و ملی خود را به‌طور هم‌زمان تأیید کنند (زندی ناوگران و همکاران، ۱۴۰۲). این مسئله به‌ویژه در نوجوانان مهاجر افغان مشهود است که به دلیل عدم تأمین نیازهای فرهنگی‌شان در جامعه میزبان، دچار بی‌هویتی و ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی می‌شوند (فاضلی، ۱۳۹۶). از سوی دیگر، زبان به‌عنوان یکی از عناصر کلیدی هویت، نقش مهمی در تجربه مهاجران افغان دارد. مطالعات انسان‌شناختی نشان می‌دهد که نسل‌های دوم و سوم مهاجران افغان در ایران، در حال تجربه هویتی جدید هستند که از درون نوعی نابه‌سامانی هویتی عبور می‌کند (میرزائی، ۱۳۹۳). این فرآیند می‌تواند در زمینه‌سازی حضور رسمی اقلیت «ایرانی-افغان» در ایران مؤثر باشد.

به‌طور کلی، بحران هویت در میان مهاجران افغان نتیجه تعامل پیچیده‌ای از عوامل فرهنگی، اجتماعی و زبانی است که نیازمند توجه ویژه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اجتماعی برای تسهیل فرآیند ادغام و کاهش ناهنجاری‌های مرتبط با آن است.

5.1.4. تأثیر بر روابط میان‌نسلی

مهاجرت، به‌ویژه در جوامع سنتی مانند افغانستان، بر روابط میان‌نسلی تأثیرات عمیقی می‌گذارد. والدین معمولاً سعی دارند ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگی خود را به فرزندان منتقل کنند، اما فرزندان که در محیط‌های جدیدی پرورش می‌یابند، اغلب با ارزش‌های مدرن‌تر آشنا می‌شوند. این تفاوت ارزش‌ها می‌تواند منجر به تعارضات میان‌نسلی شود. والدین معمولاً فرزندان را به پایبندی به سنت‌ها و ارزش‌های بومی تشویق می‌کنند، اما نسل جدید به دلیل تعامل با فرهنگ جامعه میزبان، این ارزش‌ها را کمتر می‌پذیرد. این تعارضات گاه باعث تضعیف پیوندهای خانوادگی و کاهش ارتباطات میان‌نسلی می‌شود. در برخی موارد، شکاف‌های میان‌نسلی می‌تواند خانواده‌ها را دچار جدایی و بحران کند (Marsden, 1998).

5.2. پیامدهای مثبت

مفهوم پیامدهای مثبت مهاجرت، به‌ویژه برای کشورهای مبدأ و مقصد، در مقایسه با پیامدهای منفی آن دارای اهمیت ویژه‌ای است. مهاجرت می‌تواند فرصتی برای پیشرفت‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی باشد، به‌ویژه زمانی که مدیریت صحیح و سیاست‌های حمایتی وجود داشته باشد. در اینجا برخی از پیامدهای مثبت مهاجرت آورده شده است:

5.2.1. تقویت اقتصاد کشور مقصد

مهاجرت به کشورهای توسعه‌یافته می‌تواند به تقویت بازار کار و نیروی انسانی آن کشور کمک کند. مهاجران، به‌ویژه در بخش‌های کاری تخصصی، می‌توانند مهارت‌های جدید و نوآوری‌های فنی را به کشور میزبان وارد کنند. این امر موجب رشد اقتصادی و بهره‌وری بیشتر می‌شود. بسیاری از کشورهای با جمعیت پیری مانند آلمان، ژاپن و کانادا به مهاجران برای جبران نیروی کار لازم توجه ویژه‌ای دارند (OECD, 2022).

5.2.2. تنوع فرهنگی و اجتماعی

مهاجرت می‌تواند به غنی‌سازی فرهنگی و اجتماعی کشور میزبان کمک کند. ورود مهاجران با فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف به جوامع میزبان موجب تنوع بیشتر در زندگی اجتماعی و فرهنگی می‌شود. این تنوع می‌تواند به افزایش پذیرش فرهنگ‌های مختلف، ارتقاء فهم بین‌فرهنگی و کاهش تنش‌های اجتماعی منجر شود. بسیاری از شهرهای بزرگ در کشورهای میزبان به واسطه حضور مهاجران از فرهنگ‌های مختلف تبدیل به مراکز فرهنگی و هنری شده‌اند (Castles, S., De Haas, H., & Miller, M., 2014).

6.2.3. تقویت پیوندهای بین‌المللی

مهاجرت می‌تواند به تقویت روابط بین‌المللی و دیپلماتیک میان کشورهای مبدأ و مقصد کمک کند. وجود جمعیت مهاجر در کشورهای مقصد می‌تواند به توسعه روابط تجاری، علمی و فرهنگی میان کشورها کمک کند. همچنین، شبکه‌های مهاجران می‌توانند به عنوان پل ارتباطی برای تجارت و سرمایه‌گذاری بین دو کشور عمل کنند (Docquier, F., & Rapoport, H., 2012).

5.2.4. آموزش و انتقال مهارت‌ها

مهاجرت‌های تحصیلی به کشورهای پیشرفته می‌تواند موجب انتقال دانش و مهارت‌های جدید به کشور مبدأ پس از بازگشت مهاجران شود. افرادی که در خارج از کشور تحصیل کرده‌اند، با کسب علم و تجربه‌های بین‌المللی به توسعه کشور خود کمک می‌کنند. این امر می‌تواند به بهبود نظام‌های آموزشی، علمی و فنی در کشورهای مبدأ منجر شود (Docquier et al., 2014).

5.2.5. کاهش نابرابری‌های اجتماعی: مهاجرت می‌تواند به کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی در کشورهای مبدأ کمک کند. به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، مهاجران می‌توانند با ارسال پول به خانواده‌های خود در کشور مبدأ، فشار اقتصادی را کاهش دهند و در برخی موارد حتی به بهبود زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی منطقه‌های خود کمک کنند (Ratha, D., & Shaw, W., 2020). این پیامدهای مثبت نشان‌دهنده نقش مهاجرت در تسهیل پیشرفت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هستند و در صورتی که مهاجرت به‌طور مؤثر مدیریت شود، می‌تواند به نفع تمامی طرف‌ها باشد.

6. مقایسه وضعیت مهاجران افغان با مهاجران کشورهای دیگر

مهاجرت پدیده‌ای جهانی است که در بسیاری از کشورها با بحران‌های مشابه مواجه است. مهاجران افغان، همانند مهاجران سوری و یمنی، تحت تأثیر جنگ‌ها، بی‌ثباتی سیاسی، و شرایط اقتصادی دشوار قرار دارند. طبق گزارش‌های کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل (UNHCR, 2024)، تعداد مهاجران سوری در کشورهای مختلف به بیش از 7 میلیون نفر رسیده است که مشابه تعداد مهاجران افغان در کشورهای همسایه و مناطق دیگر است. این مهاجران، مانند افغان‌ها، به دلیل وضعیت ناامن و اقتصادی، مجبور به ترک کشور خود شده‌اند و با چالش‌های مشابهی مانند عدم دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزشی، و اجتماعی مواجه‌اند. (IOM, 2025).

در همین راستا، مهاجران یمنی که به دلیل جنگ داخلی شدید در کشورشان از سال 2015 به کشورهای مختلف پناه برده‌اند، با مشکلاتی مشابه مهاجران افغان، در خصوص تبعیض‌ها و چالش‌های اجتماعی و اقتصادی روبه‌رو هستند. گزارش IOM (2025) نشان می‌دهد که بسیاری از مهاجران یمنی به‌ویژه در کشورهای عربی با سختی‌های زیادی برای یافتن شغل و برقراری ارتباطات اجتماعی و فرهنگی مواجه‌اند، که شرایط مشابهی برای افغان‌ها نیز در کشورهای میزبان به ویژه در ایران و پاکستان مشاهده می‌شود. مقایسه وضعیت این سه گروه مهاجر نشان می‌دهد که چالش‌های مهاجرت در سطح جهانی می‌تواند به‌ویژه در مناطق جنگ‌زده و کشورهای با اقتصاد ضعیف، مشترک باشد. ارائه راهکارهای مشابه برای حمایت از مهاجران افغان از تجربه کشورهای دیگر می‌تواند به بهبود شرایط زندگی آن‌ها کمک کند. علاوه بر این، کشورهایی که در حال پذیرش مهاجران هستند، نیاز به استراتژی‌های منسجم‌تری برای ادغام فرهنگی و اجتماعی دارند تا مهاجران بتوانند به‌طور مؤثری به جوامع جدید خود وارد شوند (UNHCR, 2024).

7. فرصت‌ها و تهدیدهای مهاجرت

گزارش‌های اخیر برخی نهادها مثل سازمان ملل متحد نشان می‌دهد که پدیده مهاجرت مزایا و فواید را برای هر دو کشور مبدأ و مقصد دارد (صبوحی لکی، 1394: 6). در مورد اثرهای مهاجرت اختلاف نظرهایی وجود دارد؛ عده‌ای آن را مثبت و عده‌ای آن را منفی می‌پندارند. کارکردگرایان، مکتب نئوکلاسیک، نظریه پردازان دیدگاه نوسازی و جریان شمال - جنوب

سرمایه، نگرش مثبتی نسبت به پدیده مهاجرت دارند. در مقابل ساختارگرایان، نئومارکسیست‌ها و جریان جنوب-شمال سرمایه معتقداند که مهاجرت باعث اضمحلال و از هم پاشیدگی، فرار مغزها و افزایش نابرابری، مصرف‌گرایی وابستگی، کاهش نیروی کار ماهر در کشور مبدأ می‌شود (رستمی، ۱۳۹۴: ۵۱).

مهاجرت می‌تواند مزایا و معایبی برای کشورهای مبدأ و مقصد داشته باشد. از یک طرف، مهاجران درآمدهای ارزی به کشور مبدأ ارسال می‌کنند و در جوامع مقصد موجب افزایش تنوع فرهنگی می‌شوند. از سوی دیگر، مهاجرت می‌تواند موجب کاهش نیروی کار ماهر در کشورهای مبدأ و گسترش نابرابری‌های اقتصادی شود. همچنین، در کشورهای مقصد، مهاجران ممکن است با نابرابری اجتماعی روبه‌رو شوند که این امر بر پایداری اجتماعی جوامع تأثیرگذار است. در زیر فرصت‌ها و تهدیدهای مهاجرت را در کشورهای مبدأ و مقصد به طور خلاصه از نظر می‌گذرانیم.

فرصت‌ها و تهدیدهای مهاجرت	
فرصت‌های مهاجرت	
برای کشور مبدأ	برای کشور مقصد
مهم‌ترین فرصت‌هایی که در فرآیند پدیده مهاجرت برای کشور مبدأ ایجاد می‌شود شامل موارد زیر است:	مهم‌ترین فرصت‌هایی که در فرآیند پدیده مهاجرت برای کشور مقصد ایجاد می‌شود شامل موارد زیر است:
۱. نوآوری فکری و انرژی تازه را به بازار کار و جامعه بعد از عودت ایجاد می‌کند؛ ۲. افزایش روابط فرهنگی با کشورهای دیگر؛ ۳. ورود سرمایه پولی به کشور؛ ۴. ترویج و تزویج فرهنگ‌ها؛ ۵. فراهم سازی زمینه مبادله تجارت و دانش؛ ۶. فراهم سازی زمینه صلح و تفاهم؛ ۷. مدیریت نیروی مازاد کار؛ ۸. کسب مهارت و آموزش در زمینه های مختلف علمی و فرهنگی.	۱. ابزاری ست برای چانه زنی‌های سیاسی و اقتصادی؛ ۲. رفع نیازمندی نیروی کار و کارگران فنی؛ ۳. غنای کثرت فرهنگی؛ ۴. رشد اقتصادی به علت دستمزد پایین؛ ۵. افزایش درآمد از طریق اخذ مالیات؛ ۶. نوآوری فکری و نیروی کار تازه در بازار کار و جامعه؛ ۷. افزایش روابط فرهنگی با ملل مختلف؛ ۸. جذب نخبگان؛ ۹. به دست آوردن نیروی کار ارزان؛ ۱۰. ترویج و تزویج فرهنگ‌ها؛ ۱۱. مبادله دانش و تجربیات؛ ۱۲. افزایش همدیگر پذیری، ایجاد صلح و تفاهم؛ ۱۳. اعتبار بخشی به نهادهای علمی-دانشگاهی، در صورت مهاجرت‌های تحصیلی؛

14. پر کردن خلاهای نیروی انسانی؛	
تهدیدهای مهاجرت	
برای کشور مبدأ	برای کشور مقصد
1. ابزار فشار سیاسی و اقتصادی علیه کشور مبدأ در مذاکرات؛	1. تورم کارگر در بازار کار، در صورت افزایش مهاجرت؛
2. انطباق اجباری مهاجرت با کشور محل سکونت؛	2. اجبار کشور میزبان به فراهم سازی امکانات و خدمات جدید برای مهاجران؛
3. کاهش نیروی کار در بازار جامعه؛	3. احتمال افزایش آمار جرایم؛
4. فرار مغزها و نخبگان جامعه.	4. پایین آمدن کیفیت خدمات اجتماعی در صورت افزایش بی رویه مهاجرت؛
	5. انتقال امراض ساری و جدید؛
	6. انتقال انواع جرایم جدید؛
	7. احتمال قاچاق و فعالیت های غیر قانونی (صبوحی لکی، 1394: 7-8).

جدول شماره (2)

8. نتیجه گیری

مهاجرت به عنوان پدیده‌ای پیچیده، تأثیرات عمیقی بر زندگی مهاجران، در جامعه مبدأ و مقصد دارد. این پدیده که اغلب به دلایل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقلیمی رخ می‌دهد، مهاجران را از هویت بومی آن‌ها جدا کرده و با چالش‌های متعددی روبه‌رو می‌کند. مهاجران افغان نیز، به دلیل شرایط خاص افغانستان از جمله جنگ، ناامنی و فقر ساکنان یک منطقه را به جستجوی شرایط بهتر وادار می‌کند، که عموماً به عنوان مهاجران اقتصادی قلمداد می‌شوند اما بسیاری از این مهاجرت‌ها ریشه در تغییرات اقلیمی دارد)، تجربه‌های دشواری در کشورهای مقصد داشته‌اند. این تجربه‌ها اغلب با بحران هویتی، احساس انزوا، افسردگی و مشکلات در سازگاری با محیط‌های جدید همراه است. از جانبی دیگر، مهاجرت تأثیرات مختلفی بر جامعه مقصد دارد. این پدیده ممکن است تنش‌های اجتماعی و مشکلات فرهنگی را ایجاد کند. همچنین، نقش نسل دوم (فرزندان) آن‌ها پیچیده و مشکل آفرین می‌شود؛ چرا که آن‌ها میان دو فرهنگ متفاوت گرفتار شده و بحران هویت عمیقی را تجربه می‌کنند. چنانچه تذکر داده شد افغانستان در فهرست کشورهایی قرار دارد که بیشترین مهاجر را در سطح دنیا دارد، و با هر موج مهاجرت متخصصین و افرادی که دارای حرفه هستند رخت سفر بر می‌بندند و به دیار غربت می‌شتابند بی‌آنکه بدانند چه سرنوشتی در انتظار آن‌ها و خانواده‌های آن‌ها است. از این رو نیاز است تا سیاست‌گذاری جامع بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و... صورت گیرد و با همکاری‌های بین‌المللی سیاست‌های مؤثر در جهت، تدوین برنامه‌های حمایتی و ایجاد فرصت برای بازگشت مهاجران فراهم شود. همچنین، آگاهی‌دهی به جوامع میزبان درباره پذیرش مهاجران و احترام به تنوع فرهنگی، نقش کلیدی در پیش‌گیری از تنش‌های اجتماعی ایفا می‌کند.

۹. جمع‌بندی و پیش‌نهادهای

مهاجرت افغان‌ها، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، بیشتر از آن‌که فرصتی برای بهبود زندگی باشد، به یک معضل اجتماعی و فرهنگی تبدیل شده است. پیامدهای منفی مهاجرت، از جمله فروپاشی خانواده‌ها، بحران هویتی، افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی، و وخامت وضعیت اقتصادی و روانی مهاجران، نشان می‌دهد که این پدیده نه‌تنها برای خود مهاجران، بلکه برای جوامع مبدأ و مقصد نیز چالش‌های قابل‌توجهی ایجاد کرده است.

برای جلوگیری از تشدید این وضعیت، لازم است اقدامات و سیاست‌گذاری‌های روی دست گرفته شود. در این راستا پیشنهادهای زیر قابل‌توجه است:

۱. تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی در افغانستان: ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار از طریق توسعه بخش‌های

کشاورزی، صنایع کوچک و متوسط، و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی مانند ساخت سرک‌ها و سیستم‌های آبیاری، می‌تواند به کاهش مهاجرت‌های اقتصادی کمک کند. همچنین، حمایت از کارآفرینی و کسب‌وکارهای محلی از طریق اعطای وام‌های بدون سود (قرض حسنه) و ارائه آموزش‌های فنی به جوانان می‌تواند اشتغال‌زایی مؤثری ایجاد کند.

۲. حمایت از مهاجران در کشورهای میزبان: دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی باید برنامه‌های حمایتی شامل آموزش،

بهداشت، و هم‌آهنگی فرهنگی را برای مهاجران اجرا کنند تا تبعات منفی مهاجرت کاهش یابد. به‌ویژه، ایجاد مراکز آموزشی و حرفه‌ای برای مهاجران افغان در کشورهای میزبان می‌تواند به توانمندسازی آنان و تسهیل هم‌آهنگی در جوامع جدید کمک کند.

۳. تقویت همکاری‌های بین‌المللی: کشورهای میزبان و نهادهای بین‌المللی باید با دولت افغانستان همکاری کنند تا

به حل ریشه‌ای مشکلاتی مانند جنگ و فقر بپردازند که مهاجرت را به یک ضرورت تبدیل کرده است. تأمین بودجه برای پروژه‌های توسعه‌ای و حمایت از برنامه‌های بازسازی افغانستان از جمله اقداماتی است که می‌تواند در این راستا مفید باشد.

۴. آگاهی‌دهی در جوامع مبدأ: اطلاع‌رسانی دقیق درباره چالش‌های مهاجرت به مردم افغانستان می‌تواند از

مهاجرت‌های غیرضروری و پرمخاطره جلوگیری کند. استفاده از رسانه‌ها، کمپین‌های آگاهی‌بخشی، و مشارکت نهادهای مدنی می‌تواند در افزایش آگاهی عمومی مؤثر باشد.

۵. حفظ هویت فرهنگی مهاجران: برنامه‌هایی که به مهاجران کمک کند هویت فرهنگی و ارزش‌های بومی خود را حفظ

کنند، می‌تواند از بحران هویتی و چالش‌های روانی آنان بکاهد. ایجاد مکاتب ویژه، مراکز فرهنگی، و برنامه‌های آموزشی چندفرهنگی در کشورهای میزبان، می‌تواند به تقویت احساس تعلق و هویت فرهنگی در میان مهاجران کمک کند.

۶. ایجاد راهبردهای بازگشت مهاجران: تسهیل بازگشت داوطلبانه مهاجران و حمایت از آن‌ها برای ادغام مجدد در

جامعه افغانستان از اهمیت زیادی برخوردار است. ارائه مشوق‌های اقتصادی، فراهم کردن فرصت‌های شغلی، و ایجاد برنامه‌های آموزشی برای بازگشت‌کنندگان می‌تواند به بهبود شرایط آن‌ها در وطن کمک کند.

اجرای این پیشنهادها نیازمند عزم جدی از سوی امارت اسلامی افغانستان، همکاری کشورهای میزبان، و مشارکت فعال سازمان‌های بین‌المللی است. تنها با مدیریت صحیح و حمایت مؤثر می‌توان اثرات مخرب مهاجرت را کاهش داد و فرصت‌هایی برای بهبود وضعیت مهاجران و جوامع مبدأ و مقصد فراهم کرد.

منابع و مأخذ

الف: منابع فارسی

- آدینه، محمد صابر. (1395). مهاجرت جوانان از کشور؛ علل و پیامدها، کابل: معینیت امور جوانان وزارت اطلاعات و فرهنگ.
- ابراهیم زاده، عیسی. (1380). مهاجرت‌های روستایی و علل و پیامدهای آن: استان سیستان و بلوچستان. فصلنامه تحقیقاتی جغرافیایی، شماره 60.
- ایراندوست، کیومرث، بوچانی، محمدحسین، و تولایی، روح‌الله. (1392). تحلیل دگرگونی الگوی مهاجرت داخلی کشور با تأکید بر مهاجرت‌های شهری. فصلنامه مطالعات شهری، 2 (6).
- بیگدلی، شعله. (1390). مطالعه کیفی وضعیت روانی-اجتماعی زنان ایرانی مهاجر. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تحقیقات زنان، 5 (3). https://urbstudies.uok.ac.ir/article_5569_d893ebf1f9d2f92f4290b754bf127eae.pdf
- پاپلی‌یزدی، محمدحسین، ابراهیمی، محمدامیر. (1391). نظریه‌های توسعه روستایی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات سمت. <https://www.gisoom.com/book/1845796https://doi.org/10.22067/jss.v12i1.18743>
- جانتن، الهه، فلاحی، محمدعلی و سیفی، احمد. (1394). بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به کشور آمریکا، انتشارات، علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد. <https://doi.org/10.22067/jss.v12i1.18743>
- حسینی، سید مظفر و هاشمی، سید محمد رضا. (1395). مهاجرت، فرصت‌ها و تهدیدها، در کتاب مهاجرت جوانان از کشور، علل و پیامدها، کابل: معینیت امور جوانان وزارت اطلاعات و فرهنگ.
- حیدری، علی. (1398). مبانی جغرافیای جمعیت. تهران، انتشارات سمت.
- دهخدا، علی‌اکبر. (1377). لغت‌نامه دهخدا. چاپ دوم، تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
- رستمی، هانی. (1394). آثار مهاجرت نیروی کار متخصص بر بازار کار. ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی جامعه کار، شماره 190.
- زنجان، حبیب‌الله. (1394). مهاجرت، چاپ اول، انتشارات سمت.
- زندى ناوگران، ل.، عسکری ندوشن، ع.، صادقی، ر.، افراسیابی، ح.، & عباسی شوازی، م. ج. (۱۴۰۲). ادغام هویتی مهاجران افغانستانی در ایران: یک مطالعه داده‌بنیاد. رفاه اجتماعی، ۲۳(۸۹)، ۱۶۵-۲۰۶.

13. شرفی، محمد رضا. (1383). عوامل هویت و بحران هویت در ایران. مجموعه مقالات بحران هویت در ایران، با اهتمام علی اکبر علیخانی، تهران: جهاد دانشگاهی.
14. صبوچی لکی، بهروز. (1394). مدیریت مهاجرت بین المللی و بررسی فرصت ها و تهدیدات پدیده مهاجرت. کنفرانس بین المللی تحقیقات در ساینس و تکنالوژی. مالزی، کوالالامپور، 14 دسامبر 2015.
<https://sid.ir/paper/873230/fa>
15. فاضلی، ع. (۱۳۹۶). بررسی آسیب های هویتی نوجوانان مهاجران افغانستانی در ایران. بلاغ، ۵۱ و ۵۲، ۱۸۱-۱۹۰.
16. کوئن، بروس (1382). مبانی جامعه شناسی، ترجمه و اقتباس غلام عباس توسلی و رضا فاضل، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات سمت.
17. گروه پژوهش شورای متخصصان هرات (1403). عوامل و پیامدهای مهاجرت در افغانستان با تمرکز بر موج اخیر و مهاجرت نخبگان از کشور. انتشارات ستاره نقره ای، هرات.
18. میرزائی، ح. (۱۳۹۳). مطالعه انسان شناختی هویت زبانی مهاجران افغان در ایران. مطالعات اجتماعی ایران، ۸(۳)، ۱۰۹-۱۲۸.
19. میرزامصطفی، سیدمهدی، قاسمی، پروانه. (1392). عوامل موثر بر مهاجرت استانی با استفاده از مدل جاذبه. فصل نامه سیاست های مالی و اقتصادی، سال اول، شماره 3 پاییز 1392 صص 71-96.
20. هانتینگتون، ساموئل. (1378). برخورد تمدن ها و بازسازی نظم جهانی، ترجمه محمد علی حمیدی رفیعی، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.

ب: منابع انگلیسی

21. Aich, V., Akhundzadah, N.A., Knuerr, A., et al. (2017). 'Climate change in Afghanistan deduced from reanalysis and Coordinated Regional Climate Downscaling Experiment (CORDEX) – South Asia simulations, Climate, 5(2), <https://doi.org/10.3390/cli5020038>
<file:///C:/Users/user/Downloads/climate-05-00038-v2.pdf>
22. Bove, V., & Elia, L. (2017). Migration, diversity, and economic growth. *World Development, 89*(C), 227-239. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2016.08.012>
23. Castles, S., & Miller, M. J. (2009). The Age of Migration: International Population Movements in the Modern World. Palgrave Macmillan.
24. Castles, S., De Haas, H., & Miller, M. (2014). The Age of Migration: International Population Movements in the Modern World. Palgrave Macmillan.
25. Docquier, F., & Rapoport, H. (2012). Globalization, brain drain, and development. *Journal of Economic Literature*, 50(3), 681-730.
26. Dustmann, C., Frattini, T., & Preston, I. (2011). The Effect of Immigration along the Distribution of Wages. *Review of Economic Studies*, 78(1), 283-317.

27. Dunkel Schetter, C., & Tanner, L. (2012). Anxiety, depression and stress in pregnancy: implications for mothers, children, research, and practice. *Current opinion in psychiatry*, 25(2), 141–148. <https://doi.org/10.1097/YCO.0b013e3283503680>
28. Holloway, K., Ullah, Z., Ahmadi, D. et al. (2022) 'Climate change, conflict and internal displacement in Afghanistan'. HPG case study. London: ODI (www.odi.org/en/publications/climate-change-conflict-and-internal-displacement-in-afghanistan-we-are-struggling-to-survive). https://media.odi.org/documents/HPG_CCD_case_study_Afghanistan_final_rev.pdf
29. International Organization for Migration (IOM). (2021). *Afghanistan migration profile*. Retrieved from <https://www.iom.int>
30. International Organization for Migration (IOM). (2025). Climate change and displacement in Afghanistan: Annual report 2025. IOM. Retrieved from <https://www.afintl.com/202502283955>
31. Jazayery, L. (2002). The migration-development nexus: Afghanistan case study. University of Oxford, 40(5). <https://library.fes.de/libalt/journals/swetsfulltext/16725934.pdf>
32. Lopez-Lucia, E. (2015). *Migration and conflict in Afghanistan* (GSDRC Helpdesk Research Report 1243). Birmingham, UK: GSDRC, University of Birmingham. <https://gsdrc.org/publications/migration-and-conflict-in-afghanistan/>
33. Mendola, M. (2007), "Migration and Technological Change in Rural, Households: Complements or Substitutes?", *Journal of Development Economics*, No. 85.
34. Marsden, P. (1998). *The Taliban: War and religion in Afghanistan*. Zed Books. <https://gsdrc.org/wp-content/uploads/2016/02/HDQ12432.pdf>
35. OECD. (2020). *International Migration Outlook 2020*. OECD Publishing.
36. Park, M. (2025). Climate vulnerability in Afghanistan and migration patterns. International Organization for Migration. Retrieved from <https://www.afintl.com/202502283955>
37. Ratha, D., & Shaw, W. (2020). Migration and Development Brief 33. *World Bank*.
38. Save the Children. (2021). *Education and migration in Afghanistan*. Retrieved from <https://www.savethechildren.org>
39. Spink, P. (2020). Climate change drives migration in conflict-ridden Afghanistan. ActionAid. https://actionaid.org/sites/default/files/publications/Climate%20change%20induced%20migration%20in%20Afghanistan%20Final_0.pdf
40. Sturridge, C. and Holloway, K. (2022) 'Climate change, conflict and displacement: five key misconceptions'. London: ODI (<https://odi.org/en/publications/climate-change-conflict-and-displacement-five-key-misconceptions/>).
41. Seabrook, Jeremi (2007), *Cities: Small Guides to Big Issues*, Pluto Press.

42. Schmeidl, Susanne (2019). Four Decades of Afghan Displacement. <https://www.bpb.de/themen/migration-integration/regionalprofile/english-version-country-profiles/284416/four-decades-of-afghan-displacement/>
43. United Nations (2015b), World Population Prospects, Revised 2015.
44. Vertovec, S. (2007). Super-diversity and its Implications. *Ethnic and Racial Studies*, 30(6), 1024-1054.
45. United Nations. (2024). The impact of climate change on forced displacement: A global review. United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR). Retrieved from <https://www.unhcr.org/climate-change>
46. World Bank. (2022). *Afghanistan economic outlook*. Retrieved from <https://www.worldbank.org>